

# از زیبایی خیال انگیز خط فارسی خبری نیست

سید محمد احصایی درباره نازیبایی قلم‌های چاپی می‌گوید

هنگامی که چند سال پیش در یک جمع خصوصی مرد فروتن و آرامی را دیدم که سر در کار خود داشت، یک لحظه هم فکر نکردم که او ممکن است سید محمد احصایی باشد؛ راستش بعدها از بابت از دست دادن مصاحبت یکی از بزرگترین خوشنویس‌های معاصر، افسوس خوردم. اما زمانی که ایشان با خوش خلقی و حوصله درخواست ما را برای گفت‌وگو درباره قلم‌های چاپی خط فارسی پذیرفتند، بخشی از خستگی گردآوری مطالب از تنم بیرون رفت. گرچه چندی است که لقب استاد بی‌محبا بذل می‌شود، اما در ملاقات با احصایی صبور، مهربان و مبادی آداب، از ذهنم گذشت که شخصیت احصایی، با توجه به جمیع جهات، از کسانی است که معنی واقعی لقب استاد را یادآور می‌شود. هنگامی که در گوشه‌ای یک رایانه همراه اپل را در کنار دوربین دیجیتالی نیکون دیدم، دریافتم که استاد در استفاده از ابزارهای توانمند قرن بیست و یکم لحظه‌ای تردید نمی‌کند.

حروف قرار است در کنار هم بنشینند و انتقال دهنده پیامی باشند؛ و این برای خود قوانینی دارد.

## حروف چاپی و حافظه قومی

من در این بحث به جای عبارت «راحت خواننده شدن»، از «خوش‌خوان بودن» استفاده می‌کنم. من به خوش‌خوانی یک قلم‌چاپی حساس هستم؛ یادم می‌آید که قبل از انقلاب با مدیر روزنامه اطلاعات تماس گرفتم و به او گفتم که من حاضرم حروف روزنامه شما را به رایگان تصحیح کنم. ایشان علت را پرسید، گفتم من به دلیل بدخوانی قلم متن روزنامه شما، نمی‌توانم آن را بخوانم و روزنامه دیگری می‌خوانم! یادم هست که آن موقع کیهان می‌خواندم، زیرا حروف متن زیباتری داشت که گرافیک‌های کیهان روی آن کار کرده بودند.

این حساسیت در تمام خوانندگان وجود دارد، اما ممکن است نتوانند درست آن را بیان کنند. این امر به حافظه قومی ما مربوط می‌شود؛ خط چاپی ما ریشه در خط نسخ دارد، آن هم نوعی از خط نسخ که در دوره صفویه و قاجاریه به اوج زیبایی خود رسید، منظورم قلم نسخ احمد نی‌ریزی است. خط فارسی بیشتر از هزار سال سابقه دارد و حافظه بصری خوانندگان طی این قرن‌ها تربیت شده، بنابراین زمانی که یک قلم چاپی را می‌بینند به طور ناخودآگاه آن را با آن حافظه بصری می‌سنجند.

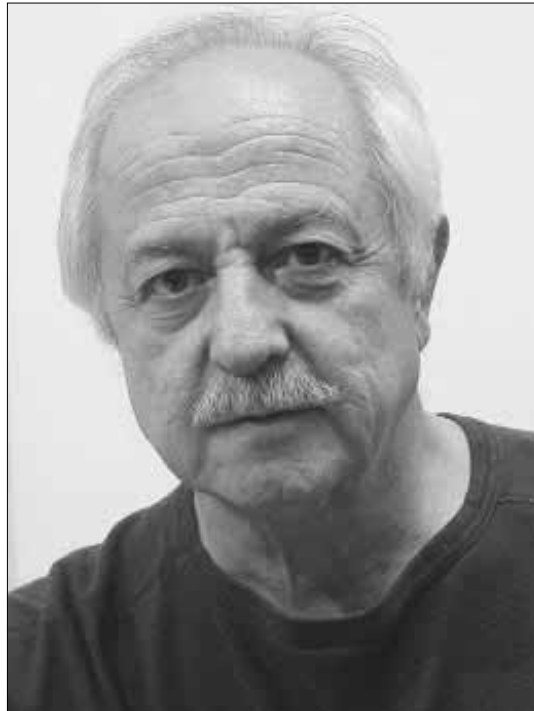
## قلم‌های متن؛ تافته جدا بافته

به لوگوتایپ سیگار مالبرو دقت کرده‌اید؟ احتمال قوی می‌دهم که در طراحی آن از لوگوتایپ مجله تایم الهام گرفته شده، البته لوگوی مالبرو کمی کشیده‌است. دلیل این کشیدگی تاثیرگذاری بصری-روانی است؛ در تبلیغات این سیگار همیشه یک سوارکار وسترن نشان داده می‌شود، این سوارکار هم نسبت به آدم‌های دیگر بلندتر به نظر می‌رسد. این به نظر من زمینه در نقاشی‌های ال‌گرکو دارد، در نقاشی‌های او همه چیز کشیده‌تر از حالت واقعی است. این کشیدگی به سیگار مذکور یک عظمت ظاهری می‌دهد. این‌ها از موارد حساس و دقیقی هستند که گرافیک‌ها به آن توجه می‌کنند. «باید چه بلایی بر سر یک عنصر بصری آورد که تاثیر مطلوب داشته باشد؟» این یکی از سوال‌های اصلی یک گرافیک‌ست از خود است. لوگوتایپ کلیتی است که قرار است منتقل‌کننده یک موضوع باشد و گرافیک‌ست، همیشه به معنایی که می‌خواهد منتقل کند فکر می‌کند.

باید زمینه بحث خود را دقیقاً مشخص کنیم، آیا بر سر لوگو، تیترو، مونوگرام و عناوین صحبت می‌کنیم، یا بحث بر سر حروف متن است. مثالی می‌زنم: حروفی که در تابلوهای تبلیغاتی می‌بینید متن به نظر می‌آید، اما به معنی خاص متن نیست. حروف متن مقوله کاملاً متفاوتی است، و ما در حروف متن خیلی فقیریم. زیرا در طراحی قلم‌چاپی برای متن ماجرای دیگری داریم:

**حروفی که در  
تابلوهای تبلیغاتی  
می‌بینید متن به  
نظر می‌آید، اما  
به معنی خاص  
متن نیست.  
حروف متن  
مقوله کاملاً  
متفاوتی است، و  
ما در حروف متن  
خیلی فقیریم.**

متولد ۱۳۱۸ در تهران. احصایی از سال ۱۳۵۰ تدریس در دانشگاه را آغاز کرد و در تألیف کتاب‌های درسی هنر هم نقش داشت. او از ۱۳۵۷ تاکنون استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران است. آثار او در بیش از دویست نمایشگاه جمعی داخلی و بین‌المللی و هفت نمایشگاه فردی به نمایش درآمده و جوایز مختلفی دریافت کرده است. حضور فعال و موثر در انجمن‌ها، شوراهای و مراکز فرهنگی متعدد، و سخنرانی‌ها و تألیف‌های گوناگون در زمینه هنر و خوشنویسی و ابداع سبک «نقاشی‌خط» احصایی را به نامی ماندگار در این حوزه تبدیل کرده است. وی در حال حاضر در حال تحریر «دیوان حافظ» به قلم نستعلیق است.



### خط چاپی لاتین در برابر خط فارسی

هزاران قلمی که در خط انگلیسی مشاهده می‌کنید کلاً از سه نوع قلم منشعب شده است: رومن (Roman)، سان‌سریف (Sans serif) و ایتالیک (Italic). کارهایی که طراحان روی این قلم‌ها انجام می‌دهند، اگر با اصول فنی اعمال شده باشد، به چشم خواننده زیبا خواهند آمد، هر چند که طراح تغییراتی در اصل خط داده باشد که غیر متعارف به نظر برسد. در طراحی حروف لاتین، گرافیک یکی از حروف قدیم را اصل می‌گیرد و تغییراتی که می‌دهد همه در قالب مشخص می‌گنجد: مربع، مثلث یا دایره. ضمن این‌که حروف لاتین دو شکل اصلی دارد، بزرگ و کوچک، و اشکالی که ساده (Plain)، ایتالیک (Italic) و سیاه (Bold) نام دارند. اگر دقت کنید تعداد حروف لاتین نسبت به حروف فارسی-عربی کم است. ۳۲ حرف فارسی در واقع هجده حرف یا شکل (کاراکتر) است، اما این هجده کاراکتر را در چهار (اول، وسط، آخر چسبیده و آخر غیر چسبیده) ضرب کنید و خط کرسی را هم در نظر داشته باشید. در خط فارسی یک خط کرسی ندارید، تصور کنید که واژه‌های «گسیختن» و «ورزیدن» را باید کنار هم قرار دهید. مثلاً در قلم نستعلیق کرسی‌بندی حکایتی دارد، در واقع کرسی‌بندی است که عبارتی یک قطعه را تعیین می‌کند. می‌توانید کرسی‌بندی را به عبارتی جایگاه کلمات نسبت به خط کرسی بدانید. در خط نستعلیق آفریدن تعادل میان فضای مثبت و منفی کلمات پر حروف مانند «گسیختن»، خصوصاً زمانی که بخواهید سین را بکشید، دشوار است.

در قلم‌های لاتین فاصله بین کلمات براساس ضخامت قلم، اندازه حروف و کاربرد تعیین می‌شود؛ فاصله تنوع چندانی ندارد.

اما در زبان فارسی، و خصوصاً خط نستعلیق، مقوله فاصله‌گذاری پیچیدگی بیشتری دارد. در خط نستعلیق خوش‌نویس، با تکیه بر ذوق خود، تصمیم می‌گیرد که فواصل را به چه صورت درآورد. در متون چاپی سعی بر این است که فاصله میان کلمات در حدی باشد که کلمه، استقلال خود را از دست ندهد. معمولاً در خط نسخ، مادر قلم‌های چاپی، فاصله بین حروف یک‌دوم تا یک‌سوم فاصله بین کلمات است.

نهادهای انتشاراتی در کشورهای غربی توجه خاصی به قلم‌های چاپی می‌کنند، تا جایی که در حال حاضر به علت گسترش امکانات رایانه‌ای-هر نشریه معتبری از قلم اختصاصی خود استفاده می‌کند، و خوانندگان ثابت این دسته از نشریات قلم‌های آن‌ها را ناخودآگاه به جا می‌آورند. در ایران چنین حساسیتی دیده نمی‌شود و تقریباً تمام نهادهای انتشاراتی از قلم‌های واحدی استفاده می‌کنند؛ قلم‌هایی که معمولاً اشکال‌های فاحش ظاهری دارند.

### نه هر که آینه‌سازد سکندری داند...

طراحان ما معمولاً اصولی کار نمی‌کنند، بلکه بیشتر تمایل به بدعت‌گذاری و تفسیر به رای دارند. این طور است که قلم‌های چاپی در دست گرافیست‌های ما به شدت تحت تاثیر سلیقه‌های شخصی قرار می‌گیرد، مصیبتی هم که به این اضافه می‌شود نابلدی و ناآگاهی از خوشنویسی است. قلم چاپی را گرافیست خطاط یا خطاط گرافیست باید طراحی کند، نه خطاط یا گرافیست تنها. زیرا برای خوشنویس، راحت خواننده شدن مطلب اهمیت ندارد بلکه شرط اصلی زیبانویسی است و متن، بهانه‌ای برای آفریدن زیبایی است. چنین نگاهی در طراحی قلم چاپی صحیح نیست، و در این جاست که نگرش گرافیکی به میدان می‌آید. زیباشناسی جدید گرافیکی، به خط سنتی جلوه‌ای می‌بخشد و آن را معاصر و کاربردی می‌کند.

البته این بحث سوی تفنن‌هایی است که بعضی از دوستان، همکاران یا دانشجویان در کارهایشان اعمال می‌کنند. آقای فرشید مثقالی پیش از انقلاب با راپیدوگراف روی کاغذ گاهی خطی می‌نوشت که فوق‌العاده زیبا بود، کسی هم نتوانست کار ایشان را تقلید کند. صحبت خوبی یا بدی خط نیست، بلکه حرفم این است که خط ایشان جلب نظرکننده و با شخصیت بود. گاهی کسی که هیچ ادعای خوش‌نویسی ندارد، چنین آثار قابل توجهی می‌آفریند.

نتیجه این‌که برای طراحی قلم چاپی باید دو چیز اصلی را در نظر گرفت: سنت خوش‌نویسی و زیبایی‌شناسی کاربردی معاصر. یک قلم چاپی مطلوب چهار مشخصه دارد: خوش‌خوانی، مطابقت با حافظه بصری مخاطب، زیبایی و عدم اشغال فضای زیاد. این‌ها مشخصاتی است که الزاماً در طراحی لوگوتایپ در نظر گرفته نمی‌شود.



**علت استفاده  
بیشتر از  
مشخصات خط  
نسخ در قلم‌های  
چاپی این است  
که ساختار خط  
نسخ با چاپ  
تناسب بیشتری  
دارد. ساختار  
نسخ اصلا برای  
نوشتن متن  
طراحی  
شده است.**

استفاده داریم (قلم‌های ریحان و محقق شباهت زیادی به هم دارند و تفاوت آن‌ها بیشتر در اندازه و کاربردشان است). اما علت استفاده بیشتر از مشخصات خط نسخ در قلم‌های چاپی این است که ساختار خط نسخ با چاپ تناسب بیشتری دارد. ساختار نسخ اصلا برای نوشتن متن طراحی شده، سرعت خواندن و اشغال سطح کمتر در ساختار نسخ گنجانده شده است. قلم‌های دیگر یا درشت‌تر هستند یا فضای بیشتری اشغال می‌کنند. در خط نسخ کرسی‌بندی راحت‌تر است، خط کرسی در نسخ چندان به ذوق ارتباط پیدا نمی‌کند. این یکی از دلایل انتخاب نسخ برای آفریدن قلم‌های چاپ بوده است. علت دیگر ساده بودن شکل حروف است، و این سادگی ظاهری نشان نمی‌دهد که نوشتن و آموختن خط نسخ چقدر مشکل است. خط نسخ یک خط سهل و ممتنع است، برای همین شما نمی‌توانید بیش از پنج شش خوشنویس نام ببرید که روی خط نسخ کار کرده‌اند. علاوه بر این‌ها خط نسخ تنوع شکلی چندان ندارد، و این مشخصه، طراحی قلم چاپ را با استفاده و الهام از نسخ تسهیل می‌کند.

### زیباشناسی خط فارسی

من بعید می‌دانم که هیچ گرافستی خط لاتین را از نظر زیبایی‌شناسی به نستعلیق ترجیح دهد. خود فرنگی‌ها، نستعلیق، ثلث و نسخ را زیباتر و خیال‌انگیزتر از خط خودشان می‌دانند. بنابراین شاید علت گرایش گرافست‌های ما به خط لاتین این است که با آن راحت‌تر می‌توان کار کرد. ترکیب‌بندی، کرسی‌بندی و جفت و جور کردن خط لاتین خیلی آسان‌تر از خط فارسی است. در نستعلیق ترکیب زیبای پنج‌شش کلمه کار هر کسی نیست، حتی برای خوشنویسان ما این کار دشوار است. به همین جهت تعداد کسانی که با خط نستعلیق لوگوتایپ

این روزها شاهد هستیم که به دانشجویان یک قلم‌چاپی ارائه و از آن‌ها خواسته می‌شود که تغییری در آن اعمال کنند، و قلم جدیدی بسازند. مدرسان هم معمولا دو گرایش دارند: یا آن‌قدر دانشجوی را در این کار آزاد می‌گذارند که او هر کاری که دلش می‌خواهد انجام می‌دهد و ممکن است به نتیجه‌ای برسد که ربطی به قلم اولیه نداشته باشد. گاهی هم دانشجوی را تحت قیود محکمی می‌گذارند و نتیجه کار، در واقع به علت ناآگاهی از خوشنویسی، خراب می‌شود.

### تمرکز بر خطوط سنتی

به نظر من از تمام خطوط سنتی فارسی می‌توان برای طراحی قلم‌های چاپی الهام گرفت، خصوصا این که رایانه ابزارهای بسیار توانمندی را در اختیار طراحان می‌گذارد و زمان طراحی قلم، نسبت به ده پانزده سال قبل، کاهش چشمگیری داشته است. همچنین امکان تغییرات شکلی حروف فارسی قابل مقایسه با خط لاتین نیست، بلکه فوق‌العاده متنوع‌تر است. به عنوان مثال خط ثلث را در نظر بگیرید که معمولا برای نوشتن کتیبه‌ها به کار می‌رود؛ شکل و ساختار کتیبه‌ها معمولا زیبایی‌شناسانه است و به این جهت برای تزئین به کار می‌رود. تاجایی که اگر بیننده با متن کتیبه آشنا نباشد، به دشواری می‌تواند آن را بخواند. شیوه نوشتن خط ثلث برای متن مناسب نیست، دقت کنید که شیوه نوشتن را می‌گویم و نظرم «قلم ثلث» نیست. قلم رفاع هم چنین حالتی دارد و بنابراین برای متن مناسب نیست، این قلم برای سریع و خلاصه نوشتن به کار می‌رفته است. پس می‌توانیم از قلم‌های نسخ، ثلث، محقق و ریحان در طراحی قلم‌های جدید بهره بگیریم. قلم نستعلیق، که مخصوص ایرانی‌هاست و هویتی به خط فارسی بخشیده، و شکسته نستعلیق را هم به چهار قلم فوق‌الذکر اضافه کنید. به این ترتیب ما پنج نوع قلم مناسب و متمایز برای الهام و

طراحی می‌کنند، بسیار کم است. زیبایی‌شناسی خط نستعلیق ترکیبش را به خوشنویس تحمیل می‌کند، زیرا استادان سال‌ها روی این ترکیب زحمت کشیده‌اند. من برای لوگوی «فرهنگسرای نیاوران»، با این که ممکن است مشکل‌دار به نظر برسد، هر چه سعی کردم نتوانستم به ترکیب مناسب‌تری برسم.

## خط فارسی در ابزارهای امروزی

بعضی‌ها معتقدند که ذات خط فارسی برای خروجی‌هایی مانند صفحه نمایشگر مناسب نیست. همان‌طور که گفتم استاندارد خط متن بر اصول خط نسخ بنا شده، و روی نسخ به این منظور کار نشده - منظور برای رایانه و وب است. اما معتقدم خط نسخ این قابلیت بالقوه را دارد، ولی باید به دقت روی آن کار کرد. خط فارسی چون یکنواخت نیست، چشم را کمتر اذیت می‌کند و همچنین کلمات طولانی در آن زیاد نیست. بحث بر سر زیبایی و خوش‌خوانی است، برای نمایشگر باید حروفی طراحی شود که قسمت‌های نازک (یا ضعف) آن چشم را نیازارد. چون توجه داشته باشید که در نمایشگر با پرتاب نور رنگین سر و کار دارید نه با بازتاب نور محیط (مثل کاغذ). بخش‌های قوت و ضعف قلم برای این منظور باید اختلاف کمی داشته باشد، فضای منفی نباید بر اثر نور با فضای مثبت قاطی شود. من خطوط ژاپنی طراحی شده برای رایانه را دیده‌ام، و به نظرم بسیار زیبا آمده است.

## ابزار بهتر، ولی اوضاع بدتر شده

پس از ظهور نشررومیزی در ایران اوضاع قلم‌های چاپی ما خراب‌تر از گذشته شد، زیرا پیش از آن شرکت‌های خارجی برای ماشین‌هایی که می‌فروختند قلم‌های خاصی طراحی کرده بودند و آن قلم‌ها را با ماشین در اختیار خریدار می‌گذاشتند. در این قلم‌ها به هر حال استانداردهایی رعایت می‌شد، و طراحان آن‌ها هم غالباً مصری یا سوری بودند - که در کارشان متخصص می‌نمودند. پس تعداد قلم محدود اما شکل آن‌ها زیباتر بود. ولی الان اوضاع طوری شده که فروشندگان نرم‌افزارهای نشر فارسی تعداد زیادی قلم را، که از اطراف و اکناف جمع کرده‌اند، همراه نرم‌افزار خود ارائه می‌کنند؛ از این تعداد زیاد شاید پنج قلم مناسب و زیبا باشد، که اساس کار ما بر این پنج قلم بنا شده است. بقیه اساساً بدون استفاده، زشت و ناخواناست.

در کشورهای عربی، که خطی شبیه به خط ما دارند، اوضاع این قدر بد نیست. تاجایی که می‌دانم سفارش دهندگان، قلم‌های متعددی را به طراحان فرنگی سفارش داده‌اند و از این قلم‌ها در کارشان استفاده می‌کنند.

## عدم رعایت حق طبع، این جا هم معضل اصلی است

مشکل اصلی ما فقدان رعایت قانون حق طبع است. من یک «بسم‌الله» برای جایی نوشته بودم و مکرراً دیدم که در جاهای

مختلفی، و بدون اجازه، از آن استفاده کرده‌اند؛ حقوق مولف این‌گونه پایمال می‌شود. اگر من نیرو و کارم را صرفاً روی طراحی حروف بگذارم با این وضع چه نصیبم خواهد شد؟ پیش‌آمده که گاهی از من خواسته‌اند قلم‌چاپی طراحی کنم، اما زمانی که حقوق آن را به مشتری اعلام می‌کنم، می‌گویند فلانی یک دهم شما گفته است! من چه طور می‌توانم به او بفهمانم که این یک دهمی که می‌پردازد به اندازه یک دوهزارم هم ارزش ندارد. اما او هم ذیحق است، زیرا نمی‌تواند حقوق اثر را حفظ کند. اما اگر قوانین لازم برای حفظ حقوق مولف وضع و رعایت شود، اوضاع خیلی تغییر خواهد کرد. البته بعضی از سفارش‌دهندگان، فرهنگ‌درک داشتن یک نوع حروف اختصاصی را ندارند، حتی اگر از نظر مالی مشکلی نداشته باشند. حتی توانایی تمیز دادن زشت و زیبا هم در آن‌ها نیست! بحث ما به این گروه از افراد بر نمی‌گردد. گروهی متوجه نتیجه فرهنگی کلان نیستند، فقط و فقط به منافع کوتاه مدت اقتصادی فکر می‌کنند. این مشکل یک معضل فرهنگی است که شاید چندان به مسائل مالی ربط نداشته باشد.

## این حرکت متولی دولتی می‌خواهد

ویژگی‌های برشمرده برای خط فارسی کار طراحی قلم‌های چاپی را مشکل و زمان طراحی حروف متن را طولانی می‌کند. در حالی که رعایت این ویژگی‌ها باید تحت نظر یک استادکار باشد. و هزینه این صرف وقت زیاد یک استادکار ماهر را کسی باید پردازد، ولی این هزینه پرداخت نمی‌شود؛ عمدتاً به این دلیل که قانون حق طبع در ایران رعایت نمی‌شود. اگر کسی با زحمت، یک قلم زیبا و مناسب طراحی کرد، افراد خودسرانه به استفاده از آن خواهند پرداخت و در نتیجه سرمایه‌گذار زیان خواهد کرد. من سال‌ها پیش در یک گفت‌وگوی رادیو-تلویزیونی گفتم که در شرایط فعلی نمی‌توانیم دارای قلم‌های چاپی صحیح، زیبا و متنوع شویم، مگر آن‌که دولت برای این امر بودجه‌ای در نظر بگیرد و یارانه‌ای پردازد، همان‌طور که برای نان و سوخت یارانه‌هایی در نظر گرفته می‌شود. این امری فرهنگی و بسیار لازم و ضروری است که مربوط به ذوق مردم می‌شود. دولت باید یک سرمایه‌گذاری حساب شده انجام و محصول را به رایگان در اختیار عموم قرار دهد. این قلم‌ها باید در اختیار تمام فارسی‌زبان‌ها و فارسی‌دوستان جهان قرار گیرد. از این طریق است که فرهنگ ما منتقل می‌شود.

اگر زمانی یک سازمان یا نهاد دولتی کمر همت بر کار اصلاح و تولید قلم‌های چاپی فارسی ببندد، من به عنوان یک شهروند و بدون توقعات خاص مالی، حاضر به همکاری با آن هستم - به شرطی که این تشکیلات صادقانه کار کند و نیت صحیحی داشته باشد. سابقه داشته که حتی رایگان به جایی مشاوره داده‌ام و ساعت‌ها زحمت کشیده‌ام، تمام مسائل که بر محور مادیات نمی‌گردد، اما به طور مستقیم نه دنبال چنین کاری خواهم رفت و نه اصلاً مناسبیتی برای اصرار من هست.



خط فارسی چون  
یکنواخت نیست،  
چشم را کمتر  
اذیت می‌کند و  
همچنین کلمات  
طولانی در آن  
زیاد نیست.